

تحلیلی بر روند شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهر زابل

دکتر خدارحم بزی

استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه زابل

چکیده

این مقاله با هدف تحلیل و بررسی روند شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهر زابل، به بررسی دوره‌های مختلف شهرنشینی اعم از پیدایش و گسترش، علل و زمینه‌ها و بستر مساعد، چگونگی و جرایب این توسعه پرداخته است تا در بعد کاربردی بستر مساعد و مناسبی برای هرگونه برنامه‌ریزی شهری، تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در این شهر و منطقه باشد و برنامه‌ریزان را چراغ راه مفیدی به حساب آید.

روش کار در این پژوهش؛ توصیفی - تحلیلی است که با نگاه قیفی به روند شهرنشینی و توجه به گذشته به منظور تصمیم‌گیری منطقی در حال و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، جدول‌ها، نقشه‌ها و نمودارهای مورد نیاز به تجزیه و تحلیل مطالب پرداخته است. برخی از مهم‌ترین نتایج این تحقیق عبارتند از:

- قدمت طولانی مدت شهرنشینی در منطقه به قبل از میلاد مسیح (۳۲۰۰ سال قبل از میلاد) باز می‌گردد.
- پیدایش و پویایی شهر زابل ناشی از؛ شرایط منطقه‌ای (خاک مساعد و آب کافی) و فرامنطقه‌ای (هیرمند و افغانستان) بوده است.
- شهرنشینی در این منطقه از روال منطقی تبدیل روستا به شهر تبعیت می‌کند (تبدیل روستای حسین آباد به شهر زابل).
- بیشترین توسعه و گسترش فیزیکی شهر زابل ناشی از شرایط به‌وجود آمده پس از انقلاب اسلامی بوده است.

واژگان کلیدی: روند شهرنشینی، توسعه فیزیکی، شهر زابل، شرایط منطقه‌ای، شرایط فرامنطقه‌ای.

مقدمه

شهر زابل مرکز شهرستان زابل در دشت سیستان در شمال استان سیستان و بلوچستان و در منطقه ای واقع شده که براساس یافته های شهر سوخته، دارای قدمت شهرنشینی ۵۰۰۰ ساله ای است که لزوم توجه و مطالعه زندگی شهرنشینی را در آن دو چندان نموده است. شاید بتوان گفت، شهر زابل ادامه روند شهرنشینی باستانی در منطقه می باشد. اگر چه این شهر دارای قدمت کمی از نظر شهرنشینی بوده و سابقه آن از ۱۵۰ سال فراتر نمی رود، اما میراث دار شهرنشینی دراز مدتی بوده است و با وجود این سابقه نه چندان زیاد، فراز و نشیب های زیادی را این شهر به خود دیده است. خاک مساعد و حاصل خیز، شرایط مناسب کشاورزی باعث ایجاد روستاهای زیادی در منطقه شده که از آن جمله، روستای حسین آباد با موقعیت مناسب، شرایط لازم برای الحاق به نصرت آباد را داشته و تبدیل به شهر زابل شده است. روند شکل گیری، گسترش، تأثیر مهاجرت های منطقه ای (مهاجرت از روستا به شهر) و مهاجرت های فرامنطقه ای (مهاجرین افغان)، شرایط اقلیمی (وزش باد)، سیاسی (تغییر مرزها) و اقتصادی (نابودی کشاورزی ناشی از قطع آب هیرمند) از جمله زمینه ها و عوامل اثرگذار در روند شهرنشینی زابل بوده اند. فرضیه این تحقیق عبارت است از: در پیدایش و گسترش شهر زابل، علاوه بر شرایط منطقه ای، شرایط فرامنطقه ای (خارج از کشور) نیز تا حدودی تأثیر گذار بوده اند.

روند شهرنشینی در جهان

بررسی یازده ناحیه در دنیای قدیم (قاره های آسیا، اروپا و افریقا) و هفت ناحیه در دنیای جدید (قاره آمریکا) نشان می دهد که آستانه تمدن و شهرنشینی در پنج ناحیه تا دوره مسیحیت در دو هزار سال قبل ظاهر شده است. این پنج ناحیه که هسته های شهری در آنها ایجاد شده عبارتند از: جنوب غرب آسیا، افریقای مرکزی، پرو، هند و چین.

در جنوب غربی آسیا در ناحیه بین النهرین برای اولین بار در تاریخ؛ مجموعه ای از روستاها به وجود آمد که هسته های اولیه نخستین شهرها بودند. در این ناحیه شهر های اولیه مانند اریدو^۱ کیش^۲، اور^۳، لاگاش^۴ و نیپور^۵ در مرکز مجموعه روستاها و زمین های کشاورزی قرار داشتند. در دره رود نیل در مصر، شهرهای ممفیس^۶ و تب^۷ بین هزاره سوم و چهارم قبل از میلاد و شهرهای موهنجودارو^۸ و هاراپا^۹ در دره رود سند و هند حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد نیز به همین شکل به وجود آمدند. شهر کاتال هیوک^{۱۰} در آناتولی ترکیه که به گونه ای دیگر به سال ۷۵۶۰ قبل از میلاد به وجود آمده، از جمله شهرهای اولیه به شمار می آید (کاسمی، و بدری، ۱۳۸۳: ۴۶-۴۵).

1- Eridu
5- Nippour
9- Harapa

2-Kish
6- Memphis
10- Catal huyuk

3- Ur
7- Teb

4-lagash
8-Mohenjo- daro

در حالی که تنها ۳ درصد از جمعیت جهان در سال ۱۸۰۰ میلادی در شهرها زندگی می کردند، این رقم با انقلاب صنعتی در آغاز قرن بیستم به ۱۵ درصد رسیده است. این نسبت در سال ۱۹۵۰، ۲۹ در ۱۹۹۵، ۴۴/۸ و در حال حاضر ۴۸ درصد می باشد. پیش بینی می شود که در افق سال ۲۰۲۵ جمعیت شهری جهان، به ۶۱/۱ درصد کل جمعیت جهان بالغ گردد که بیش از ۵ میلیارد نفر را شامل می شود. توزیع و روند افزایش جمعیت شهری در مناطق مختلف دنیا، متفاوت است. در افریقا در سال ۱۹۵۰، درصد جمعیت شهری ۱۶ و در ۱۹۸۵، ۳۰ درصد بوده که پیش بینی می شود این رقم در سال ۲۰۲۵ به ۵۵ درصد کل جمعیت افریقا بالغ گردد. در آسیا این ارقام به ترتیب ۱۶، ۲۸ و ۵۳ درصد بوده، بعد از این نیز چنین خواهد بود. در آمریکای لاتین که پیشتاز توسعه شهرنشینی در کشورهای جهان سوم است، در سال ۲۰۲۵ میلادی، ۸۴ درصد جمعیت شهرنشین خواهد شد؛ در حالی که در سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۸۵ به ترتیب ۴۱ و ۶۹ درصد بوده است. در سطح منطقه ای، این ارقام در فاصله سال های ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۵ در کشورهای در حال پیشرفت، ۲۵ و ۷۵ درصد و برای کشورهای توسعه یافته ۶۷/۵ و ۸۴ درصد خواهد بود (نظریان، ۱۳۸۰: ۵).

جدول ۱- درصد جمعیت شهرهای جهان در نواحی مختلف

درصد جمعیت شهری			جمعیت شهری به میلیون نفر			شرح
۲۰۲۵	۱۹۹۴	۱۹۷۰	۲۰۲۵	۱۹۹۴	۱۹۷۰	
۶۱/۱	۴۴/۸	۳۶/۶	۵۰۶۵	۲۵۲۱	۱۳۵۳	جهان
۷۵	۳۷	۲۵/۱	۴۰۲۵	۱۶۵۳	۶۷۶	مناطق کم تر توسعه یافته
۸۴	۷۴/۴	۶۷/۵	۱۰۴۰	۸۶۸	۶۷۷	مناطق توسعه یافته

United nation, 1994, pp2-23.

روند شهرنشینی در ایران

شهرنشینی در ایران دارای سابقه ای طولانی است و آغاز آن به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد باز می گردد. قدیمی ترین مردمی که در این سرزمین به تمدن شهرنشینی رسیدند، عیلامی ها بودند که شهر شوش را بنا کردند. بعد از آن با پیدایش حکومت هایی مانند پادشاهی مادها و هخامنشیان، شهرنشینی در دوره باستان شکل گرفت و پس از دگرگونی هایی که ناشی از استقرار حکومت هایی نظیر سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان بود، به دوره بعد انتقال یافت (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۷۲: ۵۶).

روند شهرنشینی در دوره حاکمیت اسلام، از قرن سوم تا ششم هجری قمری، در اثر گسترش و رونق بازارهای داخلی و رابطه آن‌ها با بازارهای خارجی، از توسعه سریعی برخوردار شد. در این زمان شهرهای مهمی با جمعیتی بالغ بر صدها هزار نفر شکل گرفت.

یورش مغول در قرن هفتم هجری، شهرنشینی را از رونق انداخت. البته در زمان غازان خان، شهرنشینی دوباره رونق یافت و در اثر اصلاحاتی که در زمان او انجام گرفت، بسیاری از شهرها آباد شد، ولی هجوم تیمور دوباره وضع را به حالت سابق برگرداند و سبب خرابی و سقوط تعدادی از شهرها و آبادی‌های کشور در سراسر قرن‌های هشتم و نهم هجری شد (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۱۷).

در اوایل قرن دهم هجری، با به قدرت رسیدن صفویان، عصر تحول در معماری و شهرسازی پدید آمد و شهرسازی به شیوه جدید گسترش یافت (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۷). در این دوره، مهم‌ترین پدیده‌ای که بر زندگی شهر تأثیر گذاشت، رسمی شدن مذهب تشیع بود.

دوره حکومت قاجاریه، آغاز روابط سیاسی-اقتصادی ایران با کشورهای خارجی و نیز جریان وابستگی سیاسی-اقتصادی را به وجود آورد. دخالت‌های دولت‌های خارجی در امور داخلی، مشکلات و موانع اقتصادی و آشنایی با فرهنگ غربی، سبب تغییرات بنیادی در فرهنگ جامعه ایران و نظام شهری شد (نظریان، ۱۳۷۷: ۱۶).

استقرار حکومت پهلوی، سرآغاز جدیدی در تاریخ شهرنشینی ایران است، چرا که در این دوره شهرها شروع کردند به دگرگونی و این تغییرات به نام مدرنیسم در حیات ملی و شهرنشینی ظاهر شد و سرمنشأ همه تحولات اقتصادی-اجتماعی قرن حاضر گردید. این دوران، حلقه اتصال سیر تکامل شهر در ایران - در گذشته و حال به شمار می‌رود. در همین زمان تلاش می‌شود که شهرها جامه سنت از تن در بیاورند و جامه تجدد بپوشند (احمدیان، ۱۳۸۰: ۱۰).

کشور ایران، پیش از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی از نظام شهری و شهرنشینی مطلوبی برخوردار بوده است و اگر چه با بررسی متون و منابع مختلف می‌توان به چگونگی آن پی برد، به علت عدم وجود آمار و اطلاعات لازم نمی‌توان کمیت آن را به طور کامل دریافت. محققان مختلف هر کدام از سال ۱۲۲۹ شمسی به بعد آمارهایی از جمعیت شهرنشینی ایران ارائه داده‌اند که مستندترین سند، جمعیت ایران را در سال ۱۲۷۹ شمسی، ۹ میلیون و ۸۶۰ هزار نفر و جمعیت شهرنشین را ۲ میلیون و ۳۳ هزار نفر ذکر می‌کند و از ۱۳۳۵ به بعد سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن آمارهای دقیقی از جمعیت شهرنشین ایران ارائه داده‌اند (زیاری، ۱۳۸۳: ۷۸).

جدول ۲- روند تحولات شهرنشینی در ایران (۱۳۷۵-۱۳۷۹)

شاخص سال آماری	۱۳۷۹	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
کل جمعیت ایران به هزار نفر	۹۸۶۰	۱۸۹۵۵	۲۵۷۸۹	۳۳۷۰۹	۴۹۴۴۵	۶۰۰۵۵
میزان رشد سالانه جمعیت به درصد	-	۱/۰	۳/۰	۲/۷	۳/۹	۲/۵
جمعیت شهری طبق سرشماری‌ها به هزار نفر	۲۰۳۳	۵۹۵۴	۹۷۹۴	۱۵۸۵۵	۲۶۸۴۵	۳۶۷۰۰
میزان شهرنشینی طبق سرشماری‌ها به درصد	۲۰/۶	۳۱/۴	۳۸	۴۷	۵۴/۳	۶۱/۳
جمعیت نقاط ۵ هزار نفر و بیشتر به هزار نفر	۲۰۳۳	۵۹۵۴	۹۷۱۵	۱۵۸۳۳	۲۸۳۳۴	-
تعداد نقاط ۵ هزار نفر و بیشتر	۹۹	۱۸۶	۲۴۹	۳۶۷	۶۰۶	۶۱۴
شهرهای یک میلیون نفر به بالا	-	۱	۱	۱	۴	۶

روند شهرنشینی در سیستان و بلوچستان

تاریخ شهر و شهرنشینی در منطقه سیستان و بلوچستان دو مقوله جداگانه است. در حالی که سیستان در جریان تاریخ به علت شرایط مساعد جغرافیایی و موقعیت ناحیه‌ای به دوره‌های پر شکوهی از شهرنشینی دست یافته و در تاریخ، منشأ تحولات و دگرگونی‌های عمیق و زیادی در نظام شهری ناحیه‌ای ایران و نیز تمدن شهری کشور بوده است، منطقه بلوچستان جایگاه چندانی در تمدن و نظام شهری ایران به دست نیاورده است.

بلوچستان به علت انزوا و شرایط خاص اجتماعی‌اش نسبت به بیکره سرزمین ملی و حکومت‌های حاکم بر فلات ایران، کم‌تر توانسته در نظام و فرهنگ شهرنشینی ایران جایگاه و منزلتی بیابد. ویژگی‌های طبیعی نیز در این موضوع بی‌تأثیر نبوده و از این رو بلوچستان هرگز نتوانسته است موقعیت برتر اقتصادی در طول تاریخ پیدا کند، بنابراین پتانسیل‌های ناحیه‌ای که در تمام ادوار تاریخی، شهرهای ایران شکوفایی خود را مدیون آن بودند، به رشد شهرنشینی در این منطقه امکان نداده است.

در طول دوره‌های قبل و بعد از اسلام از وجود فضاهای شهری در منطقه بلوچستان مطلبی در کتب تاریخی ذکر نشده است و گویا مردم بلوچ هنوز امنیت لازم را برای سکونت در مناطق شهری و ایجاد شهرها به دست نیاورده بودند. ولی در دوران حکومت‌های مستقل ایرانی،

بلوچستان نیز مثل سیستان و شاید بیشتر از آن مورد حملات متعدد قرار گرفته و مسلماً در هر حمله‌ای دچار خسارات و صدمات زیادی شده است. شیوه زندگی قومی و قبیله‌ای "بلوچ" مانع از به‌وجود آمدن یک نظام شهرنشینی در منطقه تا قرن دوازدهم هجری شد. (چاوشی، ۱۳۷۶: ۲۹). آغاز حکومت قاجاریه، شروع تغییرات و تحولات بنیادی در فرهنگ شهرنشینی و شهرسازی ایران است. هم‌زمان با قدرت‌نمایی شاهان قاجار، دولت استعمارگر انگلیس برای حفظ منافعی در هندوستان ناچار از دخالت در امور سیاسی ایران می‌شود و با باز شدن پای انگلیس، ایران خواه ناخواه در عرصه سیاست بین‌المللی ظاهر می‌شود. این سیاست سبب پیدایش شیوه زندگی بر پایه شهرنشینی در بلوچستان شده و بنیادهای اقتصادی این سرزمین با ورود سرمایه داران انگلیسی و هندی دچار تحول بنیادی می‌شود. راه آهن میرجاوه - زاهدان احداث شده و به تبع آن، شهر زاهدان رشد شدید کالبدی پیدا می‌کند. در این دوره فقط زاهدان که در طول حکومت دوره قاجاریه به سبب موقعیت استراتژیک خاصی که پس از نفوذ انگلیسی‌ها پیدا کرده بود به رشد فیزیکی خود ادامه داده و سایر شهرهای سیستان و بلوچستان سرنوشتی مشابه با شهرهای دیگر ایران داشتند.

انقراض حکومت قاجار و استقرار حکومت پهلوی عصر نوینی را در تاریخ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و شهرنشینی و شهرسازی ایران رقم زد. توجه رضاخان به مناطق دور افتاده ایران از جمله سیستان و بلوچستان در راستای سرکوب عشایر و قبایل بلوچ، سبب توسعه و رشد شتابان شهر زاهدان می‌شود و به قولی اسم زاهدان را این پادشاه انتخاب می‌کند و با اعمال سیاست یکجانشین کردن ایلات و عشایر، توجه به امر شهرنشینی و زندگی در فضای شهری را در فرهنگ بلوچ جایگزین می‌سازد. توجه دولت به منطقه، این مسأله را تشدید می‌کند و شهرهای بلوچستان مثل ایرانشهر و سراوان در مسیر تحول گام برمی‌دارند. وقوع جنگ جهانی دوم و اشغال کشور به دست انگلیسی‌ها سازمان نسبتاً نظام یافته شهری را در بلوچستان به هم می‌ریزد. (چاوشی، ۱۳۷۶: ۳۲)

روند شهرنشینی در منطقه سیستان (زابل)

نام سیستان از «سکاها»^۱ که یکی از پاک‌ترین و خالص‌ترین اقوام نژاد آریایی بوده گرفته شده است، بیشتر آبادی‌ها و آبادانی‌های این سرزمین به کوشش و پایداری نیروی سکاها پدید آمده است. سکاها در حدود سنه ۱۲۸ قبل از میلاد، سیستان را به تصرف خود درآورده‌اند از این تاریخ نام آن به «سکستان»^۲ سرزمین سکاها تبدیل شده است (بی‌نام، ۱۳۷۳: ۱).

مرسوم شده شهرستان زابل به روایات زیر مربوط است:

- واژه «زابل» که پهلوی آن «زاوول» می‌باشد به مناسبت زال و رستم که یکی از القاب او

زابلی است شهرت دارد.

- نام آن از قبیله «زاول» از هون‌های سفید (هپتالیان) که این منطقه را در سده پنجم میلادی اشغال کرده‌اند گرفته شده است.

- این‌جا را که بنا کردند گفتند هر چیز را باید «از آب و گل» ساخت، سپس حرف «گ» حذف شده و «زاول» گفتند (نویان، ۱۳۷۶: ۲۷۴).

آثار و اسناد و مدارک تاریخی نشانگر این واقعیت است که سیستان از تاریخ درخشان شهرنشینی برخوردار بوده است. تحقیقات باستان‌شناسی و آثار به‌دست آمده از حفاری‌های شهر سوخته (واقع در ۵۴ کیلومتری شهر زابل) نشان می‌دهد که شهرنشینی در این سرزمین به دوران آغاز تاریخی یعنی ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد. دکتر منصور سجادی کاوشگر شهر سوخته در مورد شهر سوخته می‌نویسد: «این شهر مهم‌ترین مرکز استقرار و در حقیقت مرکز اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تمام منطقه در طی هزاره سوم و چهارم پیش از میلاد بوده است» (کیانی، ۱۳۶۵: ۵۳). در جغرافیای حافظ ابرو آمده است: «... و بُست^۱ اولین شهر سیستان است، در آن‌جا رودخانه قندهار که بلاد رَجَج را سیراب می‌سازد، از طرف چپ به رود هیرومند ملحق می‌گردد». در همین کتاب از قول حمدا... مستوفی چنین نوشته شده است که: «سجستان را گرشاسب ساخته و نام آن را زرنج نهاد و غربان (غریبان) آن را زرنج خواندند و بعداً تغییر یافت و سگان، بعد سگستان، و عرب سجستان و حال سیستان یاد می‌شود» (مایل هروی، ۱۳۴۹: ۵۴-۵۱). استخری، سیاح معروف راجع به عظمت و بزرگی شهر زرنج می‌گوید: «زرنج خرمای فراوان دارد ولی کوه در اطراف آن دیده نمی‌شود، در زمستان، برف در این ناحیه نمی‌آید، اما باد می‌وزد و به همین جهت آسیاب بادی در آن‌جا فراوان است» (سایکس*، ۱۳۶۳: ۳۷).

به هر حال از مطالعه منابع تاریخی چنین بر می‌آید که سیستان در دوره‌های قبل از اسلام از اعتبار و منزلت خاصی برخوردار بوده است و شهرهای بست و زرنج بسیار آباد و از مرکزیت خاصی برخوردار بوده‌اند، به‌ویژه در اواخر حکومت ساسانی که به قول طبری: «در این زمان سیستان بزرگ‌تر از خراسان بوده، مرز آن سخت‌تر بوده و مردم آن بیش‌تر» (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۹۲).

در دوران حاکمیت اعراب در ایران، سیستان مورد توجه خاص مسلمین قرار گرفت و در سال ۲۳ هجری قمری نیروهای مسلمین، سیستان را فتح کردند. در قرن سوم هجری قمری یعقوب لیث صفاری که خود اهل سیستان بود، این سرزمین را تحت اقتدار خود درآورد. بعد از صفاریان، حکومت‌های حاکم بر ایران از قبیل سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، تیموریان و... هر یک در عمران و آبادانی و یا تخریب و ویرانی آن سهم به‌سزایی داشته‌اند. مثلاً در زمان حکومت تیمور

لنگ آبادی‌های سیستان به ویرانه تبدیل شد و چنان خساراتی به آنجا وارد آمد که جبران آن امکان پذیر نبود زیرا این فرد بدنام و خونخوار تاریخ، قساوت خود را به حد کمال رسانده و دستور خرابی «بند رستم» را صادر نمود (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۷۴).

در سال‌های اخیر تسلط انگلستان در منطقه و توطئه استعماری آن باعث تقسیم سیستان به دو منطقه به نام‌های: «سیستان خارجی» (۳/۵) از آن افغانستان و «سیستان داخلی» (۲/۵) از آن ایران شد (افشار سیستانی، ۱۳۶۶: ۹۴).

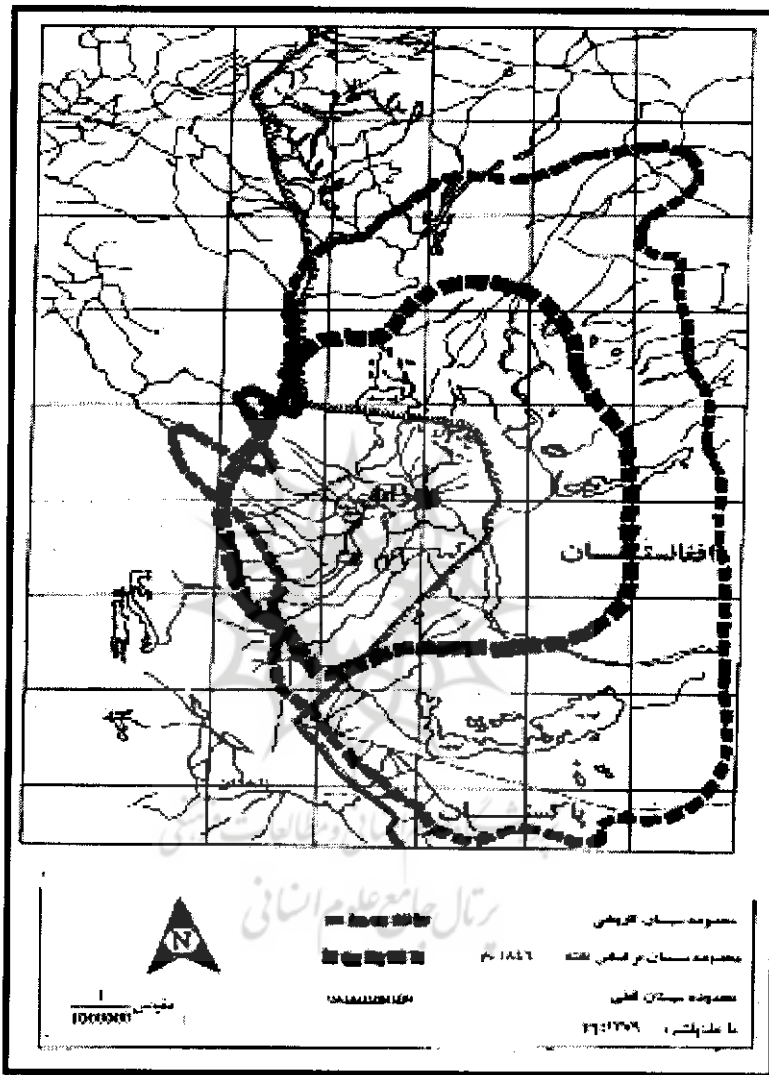
تاریخ طولانی سکونت در این سرزمین با ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی منطقه به‌ویژه با رود هیرمند پیوند ناگسستنی دارد. این رود به منزله شاه‌رگ حیاتی این سرزمین در پیدایش و شکل‌گیری و توسعه شهرنشینی و تمدن شهری آن نقش اساسی داشته و تاریخ چند هزار ساله سکونت در این منطقه را به گونه‌ای محسوس با افت و خیزها و تغییر مسیر خود پیوند داده است. هزاران سال پیش این رودخانه در کنار شهر سوخته جاری بوده است و امروزه در کنار شهر زابل.

به‌طور کلی در طول حیات انسانی در این منطقه، شهرهایی شکل گرفته‌اند که هر یک در دوره‌ای خاص، مرکز اداری-سیاسی و اقتصادی منطقه سیستان بوده‌اند. این شهرها که هم‌اکنون خرابه‌ای بیش از آن‌ها باقی نمانده و جزء آثار باستانی منطقه محسوب می‌شوند عبارتند از:

- شهر سوخته: از ۳۲۰۰ تا ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد.
- دهانه غلامان: از قرن ششم تا چهارم پیش از میلاد (دوران هخامنشیان).
- ساروتار: از قرن چهارم پیش از میلاد تا قرن سوم میلادی (دوران سلوکیان و اشکانیان).
- رامشهرستان: از قرن سوم تا ششم میلادی (دوران ساسانیان).
- زرنج: از قرن ششم تا اواخر قرن دهم میلادی (ساسانی و سامانی).
- زاهدان: از قرن پنجم تا نهم هجری (دوران تیموریان) در ۲۲ کیلومتری جنوب شرق زابل.
- قلعه فتح: از قرن هشتم تا دوازدهم هجری (دوران صفوی).
- کندرک: از قرن دوازدهم تا اواخر قرن سیزدهم هجری (قاجاریه).
- زابل (نصرت آباد): از اوایل قرن چهاردهم هجری قمری تا کنون (پلشیر، ۱۳۷۹: ۶۳-۶۱).

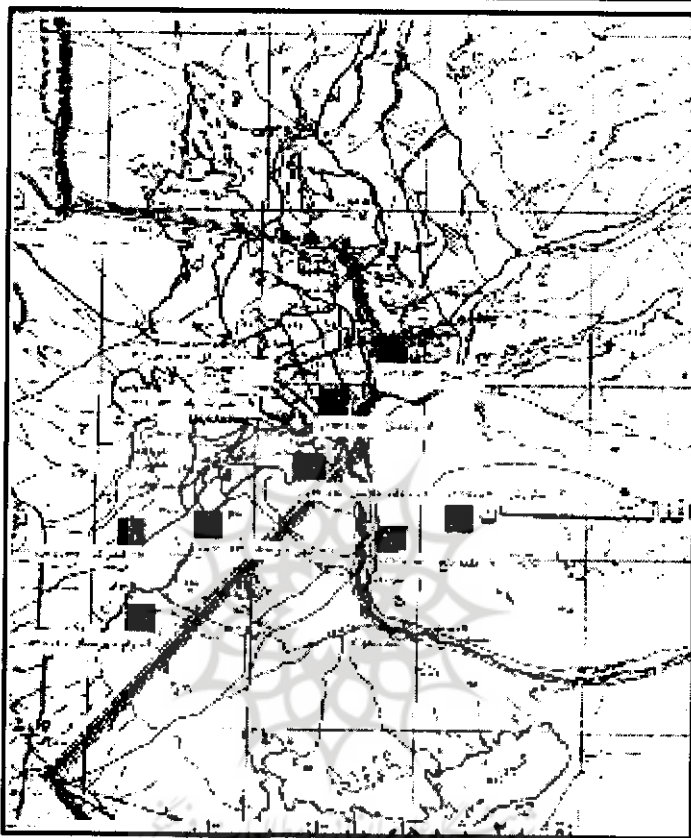
پیدایش و پویایی شهر زابل

شهر زابل در گذشته دهکده‌ای به نام نصرت‌آباد بوده که با اتصال به قریه حسین‌آباد به نام زابل خوانده شده است. در مورد پیدایش این شهر عقاید مختلفی وجود دارد. بنا بر عقیده برخی از اهالی، حدود ۴۵۰ سال قبل، زابل در محله قلعه رستم- ۳۶ کیلومتری جنوب شهر فعلی قرار داشته است. عده‌ای شهر قدیمی را زاهدان می‌دانند که فعلاً خرابه‌های آن در نزدیکی قاسم‌آباد



نقشه ۱ - موقعیت و محدوده سیستان

(نام روستایی در شهرستان زابل) قرار دارد. ولی آنچه مسلم است محل فعلی زابل، شهر اصلی نبوده و شهر قدیمی را رود هیرمند ویران و محل فعلی که در قدیم حسین آباد نام داشته زابل کنونی شده است (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۱۵۶). بیرندرایس^۱ نویسنده آلمانی در کتاب خود به نام «زابل» زمان پیدایش نصرت آباد (زابل) را سال ۱۸۶۹ میلادی می‌داند (Rist, 1981:4).



نقشه ۲- شهرهای باستانی سیستان

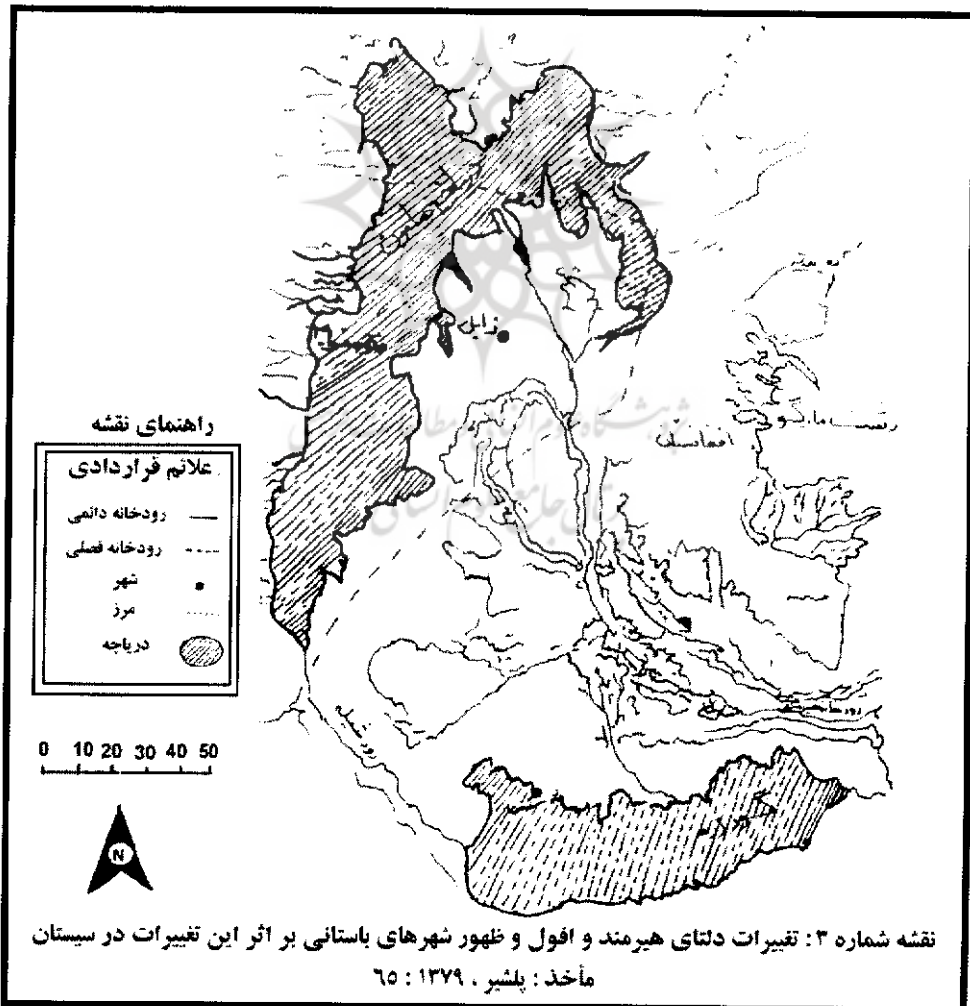
ماخذ: پلنیر، ۱۳۷۹:۶۴

در واقع پیدایش شهر زابل به‌عنوان مرکز سیستان در اواخر دوران قاجاریه پاسخی به نیازهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه و کشور، پس از تقسیم سیستان بین دو کشور ایران (۸۱۸۲ km) و کشور افغانستان (۹۹۶۴km) «بر اساس حکمت گلد اسمیت» بوده است. در چنین شرایطی از رشد یک نقطه روستایی (حسین آباد) شهری به‌وجود می‌آید که به مرور زمان به مرکز تبدلات اجتماعی - اقتصادی منطقه تبدیل می‌گردد (دانشگاه زابل، ۱۳۷۹: ۳۰).

تمدن شهری در سیستان به دلیل تغییر مسیر هیرمند همواره جابه‌جا شده است و در طول تاریخ به تبعیت از مسیر این رودخانه شهرهای بسیاری به‌وجود آمده و شهرهای بسیاری نیز از بین رفته‌اند. به نحوی که هر جا هیرمند جریان داشته زندگی و حیات برقرار بوده و در نبود آن، آثار حیات وجود نداشته است. پس از تشکیل حکومت متمرکز در کل کشور و از دومین دهه قرن

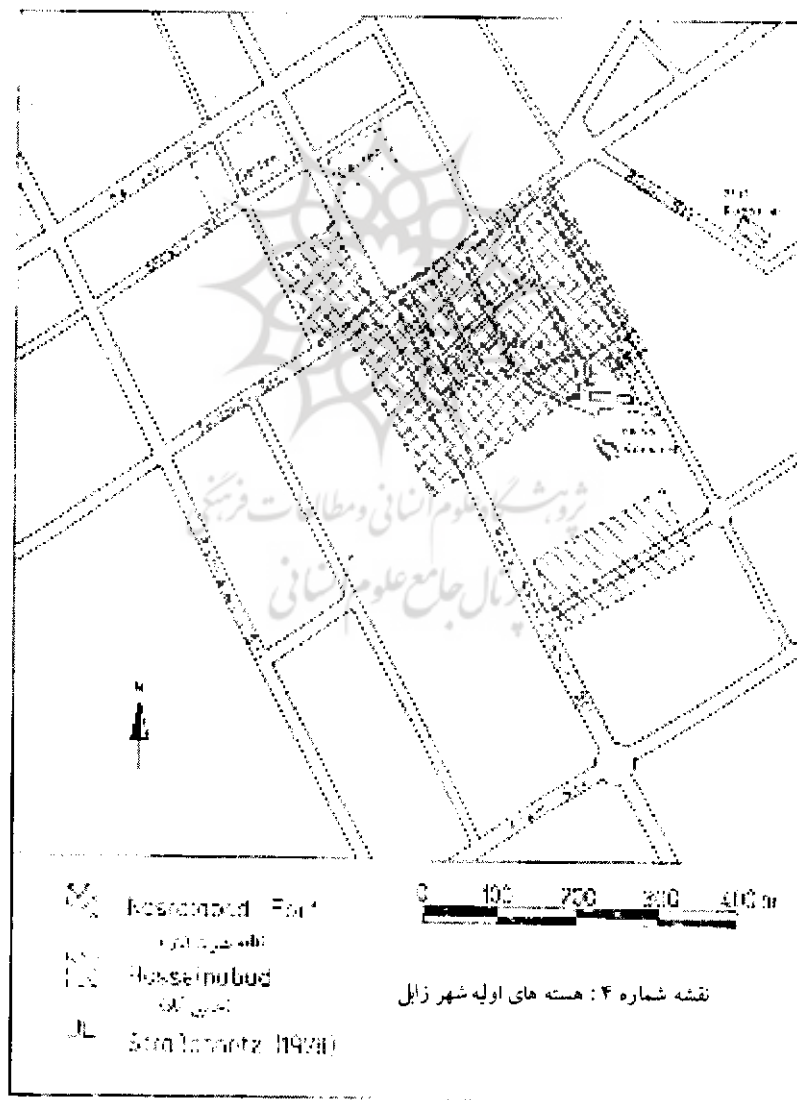
حاضر، سیستان اهمیت بیشتری می‌یابد، شهر زابل که به عنوان مرکز شهرستان زابل در تقسیمات کشوری در سال ۱۳۱۶ جزو استان هشتم (نظریان، ۱۳۸۳: ۶۹) بوده از این دهه به استان سیستان و بلوچستان ملحق می‌گردد. در این زمان سیمای کلی شهر زابل با احداث چندین محور اصلی دستخوش تغییرات می‌گردد. بازار این شهر که در فاصله روستای قدیمی (حسین آباد) و پادگان ارتش قرار داشته گسترش خطی خود را آغاز می‌کند.

روند شهرنشینی از اواسط دهه چهل و پس از مهاجرت روستاییان منطقه به شهر زابل افزایش می‌یابد به طوری که شهر به صورت شعاعی و عمدتاً حول و حوش بازار به گسترش خود ادامه می‌دهد. این بافت به عنوان بافت میانی، در مجموع در پیوند با بافت قدیمی شهر قرار می‌گیرد. سیستم شبکه معابر فرعی در این



قسمت نیز از کلیات معابر روستا گونه بافت قدیمی پیروی نموده است. در واقع منشأ روستایی ساکنان جدید و مسایل و مشکلات مربوط به مالکیت ارضی (اراضی خالصه**) مانع شکل گیری بافتی روان و کارآمد گردیده است.

در مورد تاریخ مکتوب شهر زابل، اولین نوشته ها و اسناد و مدارک متعلق به سفرنامه نویسان و محققانی است که به خطه سیستان قدم نهاده و یا از این محل عبور کرده اند. آنچه مسلم و غیر قابل تردید می باشد این مطلب است که محلی که حسین آباد در آن بنا شده، مکان نسبتاً



مرتفعی به طول و عرض تقریبی 400×250 متر (دههکتار) بوده است، که چنین مکان مرتفعی در اصطلاح محلی «لورگ»^۱ نامیده می‌شود. در اطراف لورگ که مکانی بلند و غیر آبیگر بوده، زمین‌هایی قرار داشته که در ماه‌هایی از سال پوشیده از آب بوده و در قسمت‌هایی از آن نیزارهایی وجود داشته است. چنین شرایط جغرافیایی برای در امان ماندن از خطر پیشروی آب و میل طبیعی انسان در انتخاب مکان‌های بلند نسبت به مناطق پست و هموار؛ به‌منظور تسلط بر محیط پیرامون خود و دور ماندن از گزند حوادث انتخابی کاملاً آگاهانه بوده است (شهر و خانه، ۱۳۶۶، جلد دوم: ۵-۴).

برابر اسناد و مدارک تاریخی و با به‌کارگیری روش‌های تطبیقی و تحقیقی، این نکته روشن شده است که اولین نقاط سکونت شهر زابل، حوالی مسجد شریفی و حوزه علمیه فعلی زابل بوده است که سالیان متمادی و به تدریج به صورت شعاعی و بیش‌تر متمایل به نواحی شرق تا جنوب گسترش یافته است.

پس از سفر رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۱۴ شمسی به منطقه و دستور وی نصرت‌آباد به زابل تغییر نام پیدا کرد و در سال ۱۳۲۴ شمسی اولین خیابان‌های شهر شامل خیابان فعلی امام‌خمینی (رضاشاه)، شهید باقری و بعثت (مکری) احداث می‌شود و شهر سیمای جدیدی به خود می‌گیرد. روند کند گسترش شهر زابل تا زمان انقلاب اسلامی ادامه داشته و از این مقطع است که تغییر و تحولات سریع و عمیقی در تمام جوانب از جمله؛ در احداث و ایجاد فضاهای زیستی آزاد از تمام قید و بندها و مقررات دست و پاگیر قبل از انقلاب اسلامی به‌وجود می‌آید. این آزادسازی و در واقع هرج و مرج در ساختن منازل مسکونی، با توجه به بعد زمان و عمر شهر نقطه عطفی در رشد و گسترش شهر بوده است (شهر و خانه، ۱۳۶۶: ۱۴-۱۳).

عوامل و مراحل توسعه فیزیکی شهر زابل

پدیده شهر و شهرنشینی در تاریخ سرزمین ایران یک پدیده خود جوش و انسانی محسوب شده و هر چند که اولین تظاهرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظام مردمی منطبق بر کوچ‌نشینی و سپس یکجانشینی می‌باشد، اما باید به شهر سوخته با قدمت ۵۰۰۰ سال و شهرهای بین ۲ تا ۳ هزار سال پیش در ایران اشاره نمود، که نشانه تمدن و اجتماع انسان‌ها در قالب نظام‌های حکومتی باستان می‌باشند و در مکان‌های مناسب بنا شده‌اند. پس شهر و شهرنشینی یک پدیده وارداتی و نوین نیست، بلکه با تاریخ کهن این سرزمین هماهنگ و همگام بوده است (مستوفی الممالکی، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۵).

شهرهای ایران از جمله شهر زابل در قالب مکان‌های جغرافیایی مختلف، به خاطر تاریخچه کهن آن‌ها و تأثیر فرهنگ‌ها و سیاست‌های حکومت‌های مختلف، یک مجموعه نفیس تاریخی،

مذهبی، توریستی و محیطی را مطرح می‌کنند که همانند یک آئینه، منعکس کننده سرگذشت‌های پیشین می‌باشند و امروزه از آن‌ها به‌عنوان یک مجموعه مطالعاتی غنی برای برنامه‌ریزی‌های مختلف استفاده می‌شود.

عوامل جغرافیایی (شرایط اقلیمی، سیاسی و اقتصادی): عوامل جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی در توسعه فیزیکی شهرها، تأثیر و نقش به‌سزایی دارند. وضعیت یک منطقه جغرافیایی می‌تواند امکانات مساعدی را برای گسترش و توسعه نقاط شهری فراهم سازد و یا مانع آن شود.

دفع آب‌های سطحی در شهر زابل از عمده‌ترین مشکلات کالبدی آن به‌شمار آمده و بایستی در مقیاس کلان برای آن برنامه‌ریزی کرد. با توجه به شیب جزئی (یک در هزار) یا بهتر بگوییم مسطح بودن شهر ناشی از قرارگیری در مصب قدیمی رودخانه هیرمند، دفع آب‌های سطحی به صورت طبیعی امکان‌پذیر نمی‌باشد و در حال حاضر شهرداری آب‌های سطحی را در هنگام بارندگی‌های شدید؛ با پمپ و ماشین آلات آبکش به خارج از شهر هدایت می‌کند. این در حالی است که در قسمت‌های شمالی و شرقی که نسبت به سایر نقاط شهر از ارتفاع مناسبی برخوردار است، این مشکلات کمتر به چشم می‌خورد. گفتنی است در حال حاضر طرح زهکشی شهر زابل در بخش‌های عمده‌ای از شهر انجام شده و در سایر نقاط در حال انجام است که نقش بارزی در دفع فاضلاب و آب‌های سطحی داشته و دارد.

قرارگیری مرکز آموزش نیروی انتظامی (ولی عصر)، پادگان سواره نظام ارتش و هنگ مرزی و تأسیسات مربوط به هر یک در شرق شهر توسعه فیزیکی آن را در این محدوده با مانع جدی روبرو کرده‌اند در عین حالی که از نظر کاربری اراضی؛ حدود ۷۷۸۲۳۴ متر مربع از مجموع ۱۴/۰۴۷/۲۹۹ متر مربع مساحت شهر زابل را فضاهای اداری، انتظامی و نظامی اشغال نموده (یک پنجم) و باعث شده تا سرانه اداری، انتظامی و نظامی این شهر بیش از ۶/۸۵ متر مربع افزایش یابد در حالی که این میزان براساس سرانه وزارت مسکن و شهرسازی بین ۲/۵ - ۱/۵/۱ متر مربع است (ذواشتیاق، ۱۳۷۷: ۱۲۴).

بین عوامل طبیعی، آب و هوا نقش بسیار مهمی در فعالیت‌های انسانی دارد و مساعدت یا عدم مساعدت آن بیش از سایر عوامل در زمینه گسترش اماکن شهری موثر می‌باشد (رهنمایی، ۱۳۶۹: ۱۰۱) که متأسفانه با توجه به سختی شرایط آب و هوایی حاکم در زابل؛ طبق برآوردی که از تعداد روزهای توأم با طوفان و گرد و خاک برای یک دوره ده ساله در سطح کشور به عمل آمده، منطقه سیستان با بیش از ۱۵۰ روز، بالاترین نسبت را در سطح کشور به خود اختصاص داده است. میزان بارندگی در سیستان بسیار ناچیز بوده به‌طوری که متوسط کل بارندگی سالانه آن در یک دوره ۳۰ ساله معادل ۶۲/۳ میلی‌متر می‌باشد (فر پاک، ۱۳۶۳: ۲۳-).

۲۲). با توجه به شرایط آب و هوایی گرم و خشک منطقه سیستان که ناشی از دمای بالا (متوسط دمای سالانه ۲۲ درجه سانتی گراد) و رطوبت ناچیز و وزش بادهای تند می‌باشد، باعث گردیده تا میزان تبخیر و تعرق در این منطقه یکی از بالاترین مقادیر در کشور ایران باشد. به طوری که تبخیر سالانه اندازه‌گیری شده از طریق تشتک در زابل، میزان سالانه آن را ۴۸۶۵ میلی‌متر نشان می‌دهد که بیش از ۷۸ برابر بارندگی سالانه منطقه می‌باشد. شرایط مذکور مساعدت این جنبه از عوامل طبیعی را کاهش داده است.

از نظر توپوگرافی، شهر زابل در دشت کاملاً مسطح سیستان واقع شده است. برای توسعه فیزیکی این شهر در جهات مختلف از نظر طبیعی مشکلی وجود ندارد و امکان رشد آن در تمام جهات وجود دارد به جز موانع مصنوعی که در سطور قبلی به آن اشاره شده است.

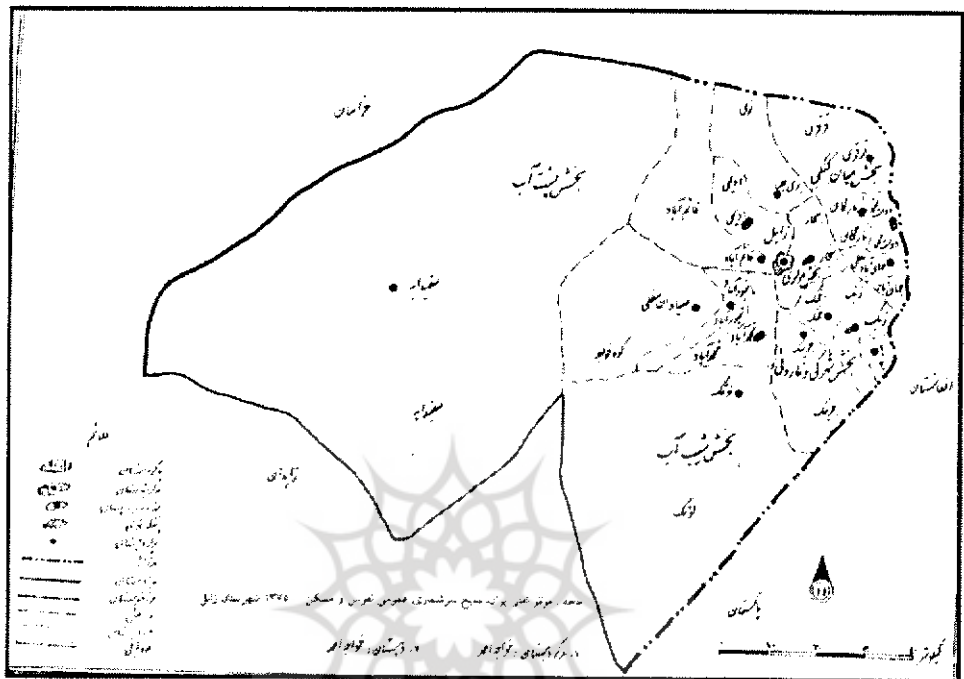
قرارگیری شهر زابل در دشت سیستان و در دلتای هیرمند و موقعیت جغرافیایی آن نسبت به سایر شهرها و روستاهای منطقه را می‌توان از علل تکوین و گسترش فیزیکی آن به‌شمار آورد.

- **موقعیت مکان مرکزی شهر زابل در منطقه:** توسعه هر شهر به عواملی نظیر؛ موقعیت مناسب آن، جمعیت، داد و ستد و مبادلات بازرگانی و به موقع جغرافیایی آن بستگی دارد. موقعیت جغرافیایی شهر با مجموعه‌ای از داده‌های طبیعی و انسانی موجود در فضای ناحیه ای که شهر در آن تکوین یافته است، مشخص می‌شود.

ژان باستیه (Jean Bastie) در ارزیابی موقع جغرافیایی شهر، علاوه بر داده‌های طبیعی، داده‌های اقتصادی، ساختار انسانی و جمعیتی، حتی سرحدات سیاسی، مرزهای زبانی و مذهبی ناحیه را از نظر دور نمی‌دارد. در انتخاب مکان جغرافیایی شهر و توسعه آن شرایط زمانی و ضرورت‌های تاریخی، به ویژه امکانات اقتصادی و تکنیکی نقش به‌سزایی دارند. چرا که، در یک دوره تاریخی معین، با عدم دستیابی به امکانات اقتصادی و تکوینی مؤثر، مکان جغرافیایی شهر، بی حرکت و نازا و در دوره تاریخی دیگر به تبع بهره‌گیری از داده‌های اقتصادی و علمی و فنی، رشد و توسعه شهر سریع و پویاتر خواهد بود.

آشنایی با ارزش‌های جغرافیایی مکان و موقعیت شهرها، ما را در تشریح چگونگی جایگزینی شهرها، توسعه آینده و تداوم حیات اقتصادی آن‌ها یاری می‌دهد. بنابراین هر فعالیتی که در شهر به وجود می‌آید با داده‌های موقع و مکان جغرافیایی شهر پیوند و رابطه دارد (فرید، ۱۳۶۸: ۵۵-۵۰).

شهر زابل، با توجه به موقعیت جغرافیایی و به واسطه شرایط مساعد دسترسی به داده‌های اقتصادی بالفعل و تا حدی بالقوه، توانسته است راه رشد و توسعه کند و بطئی خود را دنبال کند. جابه‌جایی جمعیت در سطح منطقه و گسیل نسبی امکانات اقتصادی، نقش‌های مختلفی (نقش روستا - شهر، بازار منطقه، مرکز خدمات رسانی و...) را در شهر ایجاد نموده که نتیجه تمامی



نقشه ۵ - شهرستان زابل به تفکیک بخش و دهستان

این موارد، توسعه فیزیکی این شهر را موجب گردیده است. موقعیت مرکزی (نقشه ۵) در تعیین محل کنونی شهر و توسعه آن نقش عمده‌ای داشته است. تسلط شهر از نظر خدمات (اداری، سیاسی، اقتصادی) بر دشت سیستان، رشد کارکردهای مختلف، انباشت نسبی سرمایه و امکانات اقتصادی و شکل گیری مراکز تجاری، اداری، اجتماعی و فرهنگی در سال‌های اخیر در این شهر نقش مهمی در گسترش فیزیکی آن داشته‌اند.

وابستگی شدید منطقه به آب ورودی رودخانه هیرمند، خشکسالی‌های اتفاق افتاده در سال‌های ۱۳۲۶، ۱۳۴۹-۱۳۵۰، ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ و ؟، شیوه زراعی سنتی غرقابی، شرایط را برای مهاجرت روستاییان منطقه به سوی شهر زابل مهیا ساخته است. و شهر کانون پذیرش تمامی کسانی شده که به سختی در روستاها روزگار می‌گذرانند. تقریباً هم‌زمان با ویرانی برخی روستاها و متروکه شدن آن‌ها، شهرهای اطراف به‌ویژه شهر زابل متورم‌تر گردیده و روز به روز بر ابعاد فیزیکی و مشکلات آن افزوده شد.

اراضی منطقه سیستان تا سال‌های ۱۸-۱۳۱۶ و حتی قسمتی از آن‌ها تا سال‌های ۴۶-۱۳۴۱ خالصه بودند که اجاره مالیاتی آن را دولت، سالیانه در ازای دریافت یک سوم از محصول تولیدی یا مقدار معینی از غلات و غیره به سردارها، کدخداها و افراد متنفذ محلی واگذار می‌کرد.

پس از اصلاحات اراضی و واگذاری اراضی منطقه به دهقانان و روستاییان، دو موضوع باعث شد تا اصلاحات اراضی دقیقاً اثر معکوسی در سیستان به جای بگذارد؛ اول علی‌رغم تقسیم و واگذاری زمین، شکل سیاسی - اجتماعی روستا تغییر نکرده و سردار همان نقش قبلی خود را حفظ کرده بود. ثانیاً، موضوع آب و تقسیم آن به مانند جریانی جدا از کشاورزی به همان شکل سابق خود باقی ماند.

یکی دیگر از عواملی که وجود شرایط سخت حاکم بر منطقه را تشدید نموده و زمینه را بیش از پیش برای مهاجرت روستاییان آماده کرده، وقوع خشکسالی‌های ادواری هیرمند بوده است که در همین زمان یعنی سال‌های ۲۰-۱۳۱۸ شمسی به کلی خشک شده و جاده جلای وطن مردم سخت کوش سیستانی را برای سال‌های متمادی (به‌ویژه ۵۰-۱۳۴۹) هموار نمود که این جاده هنوز هم مسافران خاص خود را داراست (بزّی، ۱۳۷۰: ۲۳-۲۲).

وقوع خشکسالی‌های ادواری اخیر (۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳) به دلیل کاهش شدید آب ورودی هیرمند ناشی از تغییرات اقلیمی و سدسازی‌های اخیر و مهار هر چه بیشتر آب در افغانستان، کشاورزی در روستاهای سیستان را به شدت کاهش داده و روستاییان را وادار به انتخاب یکی از گزینه‌های زیر کرده است:

- رو آوردن به کار تجارت کالا به شکل مجاز یا غیر مجاز آن در حین سکونت در روستا.

- پناه آوردن به شهر زابل به صورت دائم یا انجام کار روزانه در آن

- مهاجرت از منطقه به سوی سایر نقاط کشور.

- **مهاجرت‌های فرامنطقه‌ای (ورود مهاجرین افغانی):** افغان‌ها، ایرانی و از عناصر جمعیت ایران به شمار می‌روند و در سراسر سیستان و بلوچستان پراکنده‌اند. مهم‌ترین طایفه ای که از افغانستان به این منطقه مهاجرت کرده طایفه بارکزیایی بوده است. نخستین کسانی که از طایفه مذکور به ایران کوچ کرده‌اند؛ میر باران خان، پسر میر عبدالله خان، میربابکر خان و میر نوراخان بوده‌اند که به سبب بروز اختلاف میان برادران و عموهایشان مجبور به ترک زادگاه خویش شده‌اند. هم اکنون طایفه بارکزیایی جزو طوایف ایرانی به حساب می‌آید (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۸۵۶).

تقریباً هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی و اشغال افغانستان توسط شوروی سابق در سال ۱۹۷۹ میلادی چندین میلیون از تبعه این کشور آواره کشورهای اطراف به‌ویژه ایران و پاکستان گردیدند که در این بین اصلی‌ترین معبر ورودی آن‌ها، نقاط مرزی شهرستان زابل بوده است. این رخداد غیر منتظره یعنی مهاجرت گسترده افغانه به زابل باعث گردید تا فضا و کالبد شهر زابل دچار نابسامانی و گسترش غیر منتظره‌ای گردد.

بد نیست که بدانیم بر اساس اطلاعات اداره ریشه‌کنی مالاریا در سال ۱۳۶۹، حدود ۳۲/۷

درصد از کل جمعیت شهرستان زابل را افغانه تشکیل می‌داده‌اند، این رقم در مورد شهر زابل ۵ درصد بوده است. سهم متولدین خارج از کشور در طی دهه ۱۳۵۵ الی ۱۳۶۵ به نسبت دهه قبل از آن (۱۳۴۵-۱۳۵۵) در کل شهرستان زابل از ۰/۱ به ۶/۶ درصد افزایش یافته است که این نسبت در نقاط شهری و روستایی تقریباً به طور مساوی تقسیم شده است. به طوری که ۶/۳ درصد از جمعیت شهری و ۶/۷ درصد از جمعیت روستایی را متولدین خارج از کشور در این دوره (۱۳۴۵-۱۳۵۵) تشکیل می‌داده‌اند که تقریباً صد درصد آن‌ها افغانی بوده‌اند (ابراهیم زاده، ۱۳۷۹: ۳۲۹).

البته رقم ۶/۳ درصدی جمعیت افغانه در زابل، به صورت رسمی و حاصل از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۶۵ بوده که با توجه به شواهد و مدارک موجود و مطالعات میدانی تعداد تازه واردین در طی دهه ۶۵-۷۵ و نیز بازگشت تعدادی از آن‌ها در سال‌های اخیر به کشورشان، حداقل ۱۰ درصد از جمعیت شهر زابل یعنی ۱۰ هزار نفر (۱۳۷۵) آن افغانی می‌باشند، که بیش از ۹۰ درصد آن‌ها در محلات حاشیه‌ای شهر (قاسم‌آباد؛ حسین آباد و ...) ساکن می‌باشند و عمدتاً ساختار فضایی - کالبدی حاشیه‌ای شهر (گسترش فیزیکی) را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

- **مهاجرت‌های درون منطقه‌ای (مهاجرت‌های روستایی):** مهاجرت از روستا به شهر مهم‌ترین شکل جابه‌جایی جمعیت در داخل مرزهای کشور و حاصل کنش متقابل بین انسان و محیط زیست اوست. این رفتار، پاسخی از طرف انسان است به شرایطی که بر محیط زندگی او

جدول ۳- آمار ساکنان شهر زابل بر اساس محل تولد در سال‌های ۴۵، ۵۵، ۶۵ و ۱۳۷۵

سال	جمعیت شهر		متولدین شهرستان		متولدین شهرستان‌های دیگر استان		متولدین استان‌های دیگر		متولدین خارج از کشور	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۴۵	۱۸۸۰۶	۱۰۰	۱۷۰۷۶	۹۰/۸۱	۳۷۱	۱/۹۷	۱۳۲۲	۷/۰۸	۲۷	۰/۱۴
۱۳۵۵	۲۹۴۰۴	۱۰۰	۲۶۳۹۷	۸۹/۷	۸۱۹	۲/۷۷	۲۱۰۶	۷/۱۶	۸۸	۰/۳۰
۱۳۶۵	۷۵۸۸۰	۱۰۰	۶۵۳۹۷	۸۶/۱۹	۲۱۸۰	۲/۸۸	۴۷۵۵	۶/۲۶	۳۵۴۸	۴/۶۷
۱۳۷۵	۱۰۰۸۸۷	۱۰۰	۵۹۹۶۰	۶۱/۱۶	۱۸۱۳۷	۱۸/۵۳	۱۷۴۰۱	۱۷/۷۵	۲۸۹۲	۲/۹۵

مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۴۵، ۵۵، ۶۵ و ۱۳۷۵

چیره گردیده است و با درخواست‌های او منافات دارد. پس با وقوع این ناسازگاری به جستجوی محیط‌ها و فضاهای تازه می‌پردازد تا مطلوب خویش را بیابد. مهاجرت‌های روستایی نیز از همین واقعیت سرچشمه می‌گیرند.

تا قبل از دهه چهل، عمدتاً روستاهای منطقه محور اقتصاد شهر زابل به شمار می‌آمده اند و ضمن تأمین مایحتاج خود، بخش عمده‌ای از نیازهای شهر از طریق همین روستاها تأمین می‌گشت، لذا شهر جاذبه چندانی برای روستاییان نداشت. از طرف دیگر، شهر در این دوره، تنها کارکرد سیاسی و اداری داشته است و سایر کارکردهای آن بسیار محدود بوده است در نتیجه جذابیتی برای مهاجرت نداشت و لیکن پس از این دوره و وقوع اصلاحات اراضی در سال ۱۳۴۲ و تبعات منفی آن که پس از سال ۱۳۴۵ نمایان گردید؛ به اضافه خشکسالی شدید سال ۱۳۴۹ در سیستان ناشی از قطع آب ورودی هیرمند بر شدت مهاجرت‌های روستایی افزود، اما شهر زابل گنجایش خیل عظیم روستاییان مهاجر را نداشته و درصد کمی را پذیرا شد و عمده مهاجرین به سایر شهرها و استان‌ها از جمله گرگان و گنبد کوچ کردند.

با وجود این، جمعیت شهر زابل در سال ۶۵ نسبت به دهه قبل (۱۳۵۵) بیش از ۵۰ درصد رشد داشته و جمعیت آن به حدود ۲۹ هزار نفر رسید. اما وسعت شهر زابل در این دوره، بسیار کند و بطئی بوده و از ۱۴۵ هکتار به ۱۶۵ هکتار افزایش یافته است. البته بخشی از این افزایش جمعیت و گسترش فیزیکی ناشی از رشد طبیعی خود شهر و بخشی نیز به دلیل مهاجرت روستاییان به شهر بوده است. نقطه عطف مهاجرت‌های روستایی به شهر زابل در دهه بعد از آن (۱۳۷۵) متجلی گردید؛ پس از انقلاب اسلامی، به دلیل گشایشی که قبل از آن در درآمدهای نفتی کشور در اوایل دهه ۵۰ به وجود آمده بود، سرمایه‌گذاری قابل توجهی در شهرها از جمله شهر زابل انجام گرفت و بسیاری از زیر ساخت‌ها از قبیل؛ احداث خیابان، گسترش شبکه های آب، برق، تلفن، توسعه اداری و تأسیسات و تجهیزات شهری باعث شد که در سال ۱۳۶۵ جمعیت شهر زابل به بیش از ۳ برابر دهه قبل از آن یعنی به بیش از ۷۵ هزار نفر افزایش یافته و توسعه فیزیکی شهر زابل بیش از ۷ برابر بوده و به ۱۲۰۰ هکتار برسد، که این رشد نامعقول ناشی از مهاجرت‌های فرا منطقه‌ای و درون منطقه‌ای، الحاق روستاهای اطراف به پیکره اصلی شهر بوده است (بزئی، ۱۳۸۳: ۹۱).

در همین دوره تعداد محلات حاشیه‌ای شهر زابل که قبل از آن ۲ تا ۳ محله کوچک بود، به بیش از ۱۴ محله رسید. بدین معنی که علاوه بر محلات قدیمی شهر که شامل، محله های کمالی، بیرجندی‌ها، عشرت آباد، قبرستانی، نخعی؛ پاسبان‌ها و... بود در این دوره محلات جدید شامل اسلام آباد، شریعتی، حسین آباد، پشت گاراژها، شهید طباطبایی، قاسم آباد و... شکل گرفته‌اند. جدول زیر توسعه و گسترش فیزیکی شهر زابل را در ۱۵۰ سال گذشته نشان می‌دهد.

جدول ۴ - چگونگی گسترش فیزیکی شهر زابل و نسبت تغییرات آن از سال ۱۲۴۵ تا ۱۳۸۲

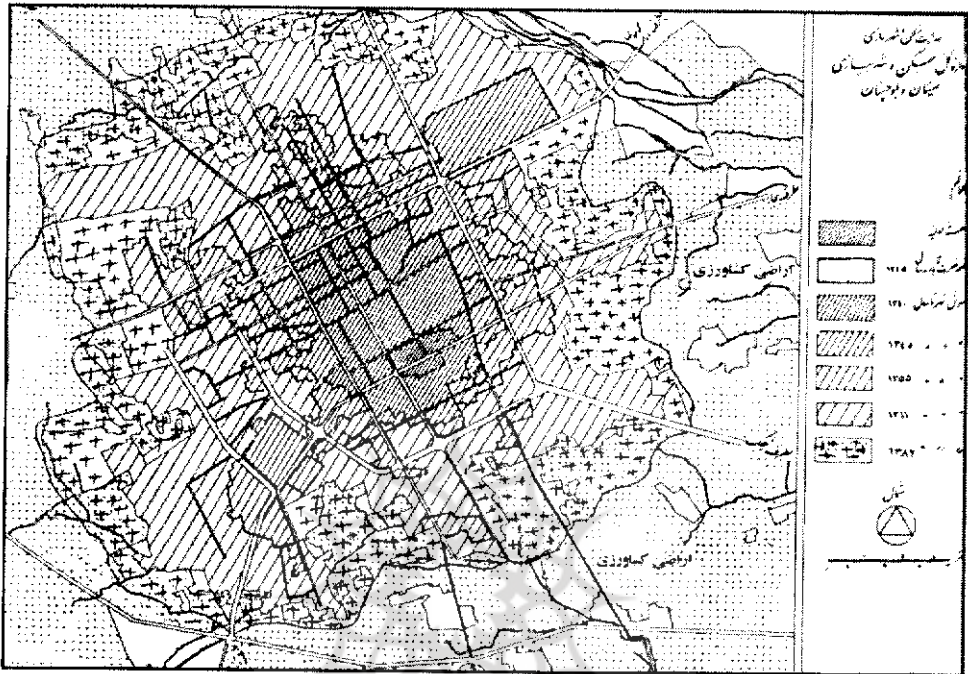
سال	میزان گسترش شهر به هکتار	وسعت کل شهر به هکتار	نسبت تغییر وسعت شهر (درصد)	جمعیت شهر (نفر)	نسبت تغییر جمعیت شهر (درصد)	تراکم در هکتار (نفر)
هسته اولیه	-	۶	-	-	-	-
۱۲۴۵	۲۴	۳۰	۵۰۰	۱۵۰۰	-	۵۰
۱۳۱۰	۶۴	۹۴	۳۰۰	۵۰۰۰	۳۳۰	۵۳
۱۳۳۵	۲۸	۱۲۲	۱۳۰	۱۲۲۰۰	۲۵۰	۱۰۵
۱۳۴۵	۲۳	۱۴۵	۱۱۸	۱۸۸۰۴	۱۴۰	۱۳۰
۱۳۵۵	۲۰	۱۶۵	۱۱۳	۲۹۴۰۴	۱۵۰	۱۷۸
۱۳۶۵	۱۰۳۴	۱۲۰۰	۷۰۰	۷۵۱۰۵	۲۵۰	۶۳
۱۳۷۵	۱۵۷	۱۳۷۵	۱۱۳	۱۰۰۸۷۷	۱۳۰	۷۴
۱۳۸۲	۴۸	۱۴۰۵	۱۰	۱۱۵۰۰۰	۱۱۳	۸/۸۱
میانگین			۲۶۰		۱۵۹	-

ماخذ: بزی، ۱۳۸۲: ۹۲.

نتیجه گیری

باید گفت؛ شهرنشینی در منطقه سیستان سابقه بسیار طولانی داشته و به هزاره سوم قبل از میلاد می‌رسد. عوامل دینامیک و پویایی شهری نظیر؛ تغییرات دلتای رود هیرمند، خشکسالی و سیلاب‌های مکرر، جنگ و درگیری‌های متعدد باعث ایجاد و شکل‌گیری و نابودی شهرهایی از قبیل شهر سوخته، دهانه غلامان و غیره شده‌اند که شهر زابل در انتهای این روند طولانی مدت شهرنشینی در منطقه قرار دارد.

پیدایش، گسترش و ادامه حیات شهر زابل مدیون رودخانه هیرمند و دلتای حاصل خیز آن است که سرچشمه آن در افغانستان قرار داشته و علیرغم قراردادهای متعدد منعقد بین ایران و افغانستان، هیچ‌گاه حق آبه استحقاقی ایران به این منطقه نرسیده است. خاستگاه اولیه شهر زابل دو آبادی کوچک به نام‌های نصرت آباد (ارگ حاکم نشین) و حسین آباد (مردم نشین) بوده است که با اتصال این دو در سال ۱۳۱۱ هـ ش، شهر زابل موجودیت یافته است. اولین اقدامات شهرسازی از جمله احداث خیابان‌های اصلی شهر زابل در



نقشه ۶ - روند گسترش فیزیکی شهر زابل از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۳

ماخذ: شهرداری زابل، شهر و خانه پلشیر

سال ۱۳۲۴ هـ. ش زمینه را برای پذیرش سیمای کنونی شهری در آن فراهم ساخته است. مهاجرت روستاییان منطقه از ابتدای دهه ۵۰ به دلیل وقوع خشکسالی‌ها و سیلاب‌های متعدد و ورود مهاجرین افغان از ۱۳۵۸ به بعد به شهر زابل و اتصال روستاهای همجوار به پیکره اصلی شهر از عوامل مؤثر در رشد سریع فیزیکی آن در دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ بوده اند به طوری که در این فاصله زمانی این شهر از نظر فیزیکی ۷ برابر و از نظر جمعیتی تقریباً ۳ برابر شده است.

یادداشت:

* ژنرال سر پرسی سایکس در سال ۱۸۹۸ میلادی (۱۲۷۶) در سفرنامه خود به نام «ده هزار مایل در ایران» راجع به شهر زابل می‌نویسد: پس از این که دولت ایران بر سیستان تسلط پیدا کرد، ساختمان محصور قلعه ماندندی برای سکونت حاکم محل نیز ایجاد گردید و ضمناً لازم بود که محل قلعه نزدیک به ناحیه‌ای باشد که قبلاً متعلق به ایران بوده و تهیه خواربار و آذوقه نیز اشکال نداشته باشد ...

** در تقسیمات کشوری در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی استان هشتم مشتمل بر شهرستان‌های کرمان، بم، بندر عباس، خاش و زابل بوده است.

منابع:

- ۱- ابراهیم زاده، عیسی. (۱۳۷۹). تحلیلی منطقه‌ای از روابط مقابل شهری و روستایی در سیستان. پایان‌نامه دکترای جغرافیا. دانشگاه اصفهان.
- ۲- ابراهیم زاده، عیسی و محمد نگهبان مروی. (۱۳۸۰). تحلیلی بر شهر و جایگاه شهرهای جدید در ایران. فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۵.
- ۳- احمدیان، محمد علی و فریبا سعادت غلامی. (۱۳۸۰). شهرنشینی و توسعه در ایران. مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۱۶.
- ۴- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۹). سیستان نامه. تهران: نشر مرغ آمین.
- ۵- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۳). نگاهی به سیستان و بلوچستان. تهران: ناشر امین خضرای.
- ۶- بزی، خدارحم. (۱۳۸۳). تحلیلی بر محدودیت‌های فضایی - کالبدی شهر زابل با تأکید بر عوامل فرهنگی. پایان‌نامه دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.
- ۷- بزی، خدارحم. (۱۳۷۰). پژوهشی درباره مهاجرین سیستانی در گرگان و گنبد. پایان‌نامه کارشناسی جغرافیا، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۸- پلشیر، مهندسین مشاور. (۱۳۷۹). گزارش طرح راهبردی و بهسازی محدوده مرکزی و طراحی شهری محور مرکزی شهر زابل. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری.
- ۹- چاووشی، اسماعیل. (۱۳۷۶). بنیادهای تاریخی شهر و شهرنشینی در استان سیستان و بلوچستان. فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۴۴، بهار ۱۳۷۶، ناشر مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا.
- ۱۰- دانشگاه زابل (۱۳۷۹). طرح جامع توسعه فضای سبز شهر زابل.
- ۱۱- ذواشتیاق، صمد. (۱۳۷۷). چکیده طرح جامع جدید (طرح حفظ و ساماندهی تهران). شرکت پردازش و برنامه‌ریزی (وابسته به شهرداری) تهران.
- ۱۲- رهنمای، محمد تقی. (۱۳۶۹). مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی: ۴- جغرافیا. چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۱۳- زیاری، کرامت. (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی شهرهای جدید. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- سایکس، سر پرس. (۱۳۶۳). سفرنامه. ترجمه حسین سعادت نوری، انتشارات لوحه
- ۱۵- سلطان زاده، حسین. (۱۳۶۵). مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. نشر آبی.
- ۱۶- شهر و خانه، مهندسین مشاور. (۱۳۶۶). طرح توسعه و عمران و حوزه نفوذ و تفصیلی شهر زابل، مرحله اول جلد دوم، وزارت مسکن و شهرسازی، اداره کل مسکن و شهرسازی سیستان و بلوچستان.
- ۱۷- فرپاک، مهندسین مشاور. (۱۳۶۳). گزارش مرحله اول طرح تأمین و احداث شبکه آب مشروب کلیه قراء سیستان، جلد اول، کلیات و مشخصات عمومی، بخش دوم؛ تقسیمات و کلیات طبیعی و اقتصاد در سیستان. سازمان منطقه‌ای آب سیستان و بلوچستان.
- ۱۸- فرید، یدالله. (۱۳۶۸). جغرافیا و شهرشناسی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- ۱۹- کاظمی موسی و علی بدری. (۱۳۸۳). جغرافیای شهری و روستا شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۲۰- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۶۵). شهر سوخته، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران. انتشارات ارشاد اسلامی.

- ۲۱- مایل هروی، نجیب، ۱۳۴۹، جغرافیای حافظ ابرو. تهران: انتشارات فرهنگستان ایران.
- ۲۲- مجهول المؤلف، ۱۳۷۳، تاریخ سیستان گذشته به قرن پنجم هجری. ویرایش جعفر مدرس صادقی، تهران: نشر مرکز.
- ۲۳- مستوفی، حمد الله، ۱۳۳۶، نزهة القلوب، تهران: انتشارات ظهوری.
- ۲۴- مستوفی الممالکی، رضا، ۱۳۸۰، شهر و شهرنشینی در بستر جغرافیای ایران. مرکز انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- ۲۵- مشهدیزاده دهقانانی، ناصر، ۱۳۷۲، تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۲۶- نظریان، اصغر، ۱۳۸۳، جغرافیای شهری ایران. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۲۷- نویمان، مهر الزمان، ۱۳۷۶، نام مکان های جغرافیایی در بستر زمان. تهران: انتشارات ما.
- 28- United Nation: World Urbanization Prospects.
- 29- Rist, Bernd. 1981, Die Stadt zabol. Zur Wirtschaft lichen und Sozialen.





پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي مرکز